

# روند تحولات جامعه روستایی ایران بعد از انقلاب اسلامی

«قسمت دوم»

● مهندس داود ثمری  
● دکتر مصطفی ازکیا

روستایی فعالیت می‌کردند، از وزارت کشاورزی منتزع و به جهاد سازندگی واگذار شدند. به عبارت دیگر امور زیربنایی روستایی به وزارت جهاد سازندگی محول شد.

با توجه به اینکه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی جامعه روستایی کشور از عدم وجود تأسیسات زیربنایی به شدت رنج می‌برد، لذا از اولین اقدامات جهاد پرداختن به ارائه خدمات زیربنایی و به دنبال آن اقدام برای بهبود معیشت روستاییان از طریق ایجاد فرصتهای شغلی و افزایش درآمد در قالب صنایع روستایی بود. فصل دوم متن قانون تشکیل وزارت جهاد سازندگی در خصوص وظایف این وزارتخانه و در زمینه امور زیربنایی می‌باشد. این وظایف عبارت‌اند از:

۱- برنامه‌ریزی و احداث و نگهداری ابنیه و تأسیسات عمومی خدماتی مورد نیاز روستاها و مناطق عشایری شامل حمام، کشتارگاه، رختشوی‌خانه، غسالخانه، لوله‌کشی آب آشامیدنی

سه دوره مذکور در جدول شماره (۱۲) آورده شده است. اگر چه تعداد آبادیهای کشور در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ بیش از ۱۲ درصد و در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۶۵ بیش از ۲۰ درصد رشد داشته و به ترتیب از مجموع ۹۲ هزار آبادی به ۱۰۳ هزار آبادی و در سال ۱۳۷۰ از ۱۰۳ هزار آبادی به ۱۲۴ هزار آبادی رسیده است، اما در همین فاصله، نسبت آبادیهای خالی از سکنه نسبت به کل آبادیهای ایران از ۲۹/۳ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ و ۴۸/۱ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته است. لذا می‌توان بیان نمود که بخشی از جمعیت که در آبادیها ساکن بوده‌اند، جهت کسب درآمد بیشتر به شهر یا آبادیهای دیگر مهاجرت کرده‌اند.

## دگرگونیهای زیربنایی

بعد از انقلاب اسلامی و با تشکیل جهاد سازندگی به عنوان یک نهاد انقلابی در سال ۱۳۵۸، کلیه وظایف عمران روستایی وزارت کشاورزی و سازمان عمران روستایی به این نهاد واگذار شد و از این پس کلیه اعتبارات و امکانات و سازمانهایی که در رابطه با وظایف عمران

## روند آبادی نشینی

قبل از اصلاحات ارضی نزدیک به ۶۵ درصد از ساکنان در مناطق روستایی و تقریباً در ۶۶۷۵۶ ده زندگی می‌کردند. بیش از ۳۴ درصد از آبادیها در این زمان در زمره آبادیهای کمتر از ۵۰ نفر قرار داشته‌اند. حدود ۴۱ درصد، آبادیهای بین ۵۱ تا ۲۵۰ نفر و بقیه نیز جزء آبادیهای بیش از ۲۵۰ نفر جمعیت بوده‌اند. تعداد آبادیهای ایران در دهه ۱۳۵۰ به شرح زیر برآورد شده است:

ده ۵۹ ۱۸۹

- مزرعه ۶۵۸۲

- مزرعه تابع ۱۶۵۳۸

مکان ۲۱۲۹

اخیراً اصطلاح "دهک" نیز در بعضی از متون مربوط به مسائل روستایی به انواع آبادیها افزوده شده است. مقصود از "دهک"، دهاتی است که جمعیتی کمتر از ۵۰ نفر دارند. اما با توجه به اینکه این دهات، ویژگیهای خاصی که آنها را از سایر روستاها متمایز کند ندارند، بنابراین به کار بردن چنین اصطلاحی در مطالعات روستایی جز آنکه موجب پیچیدگی بیشتر شود، نتیجه دیگری ندارد. نتایج منتشر شده در خصوص تعداد آبادیهای

کشور حاکی از آن است که تعداد آبادیها از ۹۲۰۷۰۹ آبادی در سال ۱۳۵۵ به ۱۰۳۹۲۰۱ آبادی در سال ۱۳۶۵ و به ۱۲۴۶۱۷ آبادی در سال ۱۳۷۰ رسیده است. طبقه بندی جمعیتی آبادیهای کشور در طی

با مشارکت مردم.

۲- برنامه‌ریزی، احداث و نگهداری راههای روستایی کشور شامل راههای روستا به روستا، روستا به مرکز دهستان و راهها و گذرگاههای عشایری.

۳- طرح و تهیه نقشه لازم و احداث و گسترش خطوط فشار متوسط و وضعیت شبکه برق روستاها و برق کشاورزی با هماهنگی وزارت نیرو

۴- کمک به لایروبی و مرمت قنات، انهار و استخرهای آبیاری روستاها و همکاری و اجرای طرحهای آبیاری و برنامه‌ریزی تأمین آب کشاورزی روستاها و مناطق عشایری کشور بنا به درخواست وزارت نیرو

۵- کمک به روستاییان و عشایر در ایجاد و گسترش صنایع تبدیلی و دستی کوچک در چارچوب سیاستهای دولت

۶- کمک به خدمات بهداشتی و درمانی با موافقت وزارت بهداشت در مناطق عشایری

۷- همکاری با نهضت سوادآموزی به منظور ریشه کن نمودن بی‌سوادی در روستاها و مناطق عشایری.

با توجه به وظایف ذکر شده تا پایان سال ۱۳۷۴، ۸۶ درصد جمعیت روستایی کشور از آب آشامیدنی، ۷۵ درصد از انرژی برق و ۷۶ درصد از راه با مشخصات فنی برخوردار شده‌اند.

بعد از انقلاب ۱۷۱۸۰ روستا از شبکه لوله‌کشی آب آشامیدنی و ۲۵۶۷۱ روستا از روشنایی برق برخوردار شده‌اند. احداث ۶۲۴۹۳ کیلومتر راه شوسه آسفالت، ۱۷۹۳۹ کیلومتر راه روستایی و اجرای پروژه بهسازی کالبدی در ۵۷۳ روستا از دیگر دستاوردهای فعالیتهای عمرانی جهاد در روستاها می‌باشد. ارقام ذکر شده نشاندهنده این واقعیت است که نسبت به قبل از انقلاب احداث راه ۷/۸ برابر (۶۸۱ درصد رشد)، تأمین برق ۵/۹ برابر (۴۹۳ درصد رشد) و آبرسانی ۱/۴ برابر (۴۳ درصد رشد) کرده است. در زمینه صنایع روستایی تا پایان سال ۱۳۷۴ با سرمایه‌گذاری ۳۴۲۵۱۷ میلیون ریال برای ۳۲۵۳۲ نفر اشتغال ایجاد شده است.

## نظام بهره‌برداری

نظامهای بهره‌برداری مانند هر جزء دیگری از سیستم اجتماعی تابعی از تغییر و تحولات کل سیستم اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر پیدایش، استحکام و اضمحلال نظامهای بهره‌برداری در چارچوب کل روند توسعه در هر جامعه‌ای رخ می‌دهد. از آنجایی که روند توسعه خود تابعی از عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داخلی و خارجی است، لذا تغییرات در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای به طور مستقیم بر ساختار و کارکرد نظامهای بهره‌برداری اثر خواهد گذاشت. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک پدیده اجتماعی اثرات خود را با توجه به شرایط خاص مملکت و مرحله توسعه ایران بر بخش روستایی گذاشته است و در واقع باعث تحولاتی در نظامهای بهره‌برداری قبل از انقلاب شده است.

به منظور دست یافتن به ساختار و روند تغییر و تحولات در نظامهای بهره‌برداری در ایران بعد از انقلاب، باید ابتدا مسئله زمین که محور اصلی در نظامهای بهره‌برداری است، بررسی شود. سپس چگونگی پیدایش نظامهای بهره‌برداری جدید (برای مثال مشاعها) بعد از انقلاب پیگیری گردد.

## ۱- بهره‌برداری از زمین و تحولات آن

بر اساس آمارگیری کشاورزی سال ۱۳۳۹ تعداد کل بهره‌برداریهای کشاورزی یک میلیون و ۸۷۷ هزار واحد بوده است که بیشترین سهم از آن بهره‌برداری رعیتی بوده است. به این معنی که رعیت در قبال بهره‌برداری از زمین مالک و برخی از عوامل تولید که از سوی مالک در اختیار او گذاشته می‌شد، سهمی از محصول را به مالک می‌پرداخت. مقایسه‌های تولیدی بر اساس نظام مزارعه قرار داشت و حدود ۴۴ درصد از کل بهره‌برداریهای از نوع رعیتی به حساب می‌آمدند که ۵۵ درصد کل اراضی مزروعی را در اختیار داشتند.

شکل دیگر بهره‌برداری، "ملکی" بود که در آن، بهره‌بردار مالک زمین در بهره‌برداری محسوب می‌شد و حدود ۴۶ درصد کل اراضی مزروعی را شامل می‌شد.

بهره‌بردار اجاره‌ای که در آن زمین به وسیله

## جدول شماره (۱۲):

### مقایسه عملکرد و پیش‌بینی فعالیتهای عمرانی در مقاطع مختلف

فعالیت	واحد	(۱۳۵۸-۶۷)		(۱۳۷۲-۷۱)		(۱۳۷۴-۷۲)		(۱۳۷۵-۷۳)	
		پیش‌بینی	عملکرد	پیش‌بینی	عملکرد	پیش‌بینی	عملکرد	پیش‌بینی	عملکرد
روستا	روستا	۱۸۱۵۷	۱۰۰۰۰	۵۱۲۸	۱۱۲۱	۱۲۰۰	۹۲۵	۱۲۰۰	۱۲۰۰
	خانوار	۵۵۹۲۱۸	۱۶۰۴۲۵	۲۲۲۹۷۶	۶۸۲۳۱	۶۴۸۹۰	۶۴۵۸۸	۷۷۹۵۰	۷۷۹۵۰
	جمعیت	۲۹۰۷۹۲۵	۸۶۶۲۵۱۳	۲۲۲۰۱۵۷	۲۲۳۲۰۲۱	۲۴۹۰۱۷	۲۳۵۸۵۹	۴۲۰۹۳۰	۴۲۰۹۳۰
آبرسانی	روستا	۱۲۰۰۰	۱۰۲۵۷	۵۲۱۵	۱۰۰۸	۱۰۰۰	۷۰۰	۱۱۰۰	۱۱۰۰
	خانوار	۸۱۱۰۲۶	۷۶۴۲۴۰	۲۷۱۲۳۱	۱۳۵۰۸۹	۱۱۳۸۸۹	۸۹۰۹۰	۱۰۹۲۵۹	۱۰۹۲۵۹
	جمعیت	۴۲۱۷۳۳۸	۳۹۶۷۷۵۵	۲۵۵۸۲۹۹	۷۲۲۹۸۹	۶۱۵۰۰۰	۲۹۰۰۰۰	۵۹۰۰۰۰	۵۹۰۰۰۰
اجرای بهسازی	روستا	۰	۰	۳۷۸	۹۷	۲۲۰	۹۸	۴۸۶	۴۸۶
	خانوار	۰	۰	۱۸۵۰۰۶	۲۸۷۲۷	۹۳۳۸۰	۴۱۵۵۰	۱۳۵۱۱۱	۱۳۵۱۱۱
	جمعیت	۰	۰	۱۰۳۵۹۶۴	۱۷۲۳۶۲	۵۵۹۶۸۰	۲۴۹۳۰۰	۷۲۹۶۰۰	۷۲۹۶۰۰
احداث راه	کیلومتر	۸۰۰۰	۴۹۴۸۹	۹۱۵۸	۱۹۰۷	۱۵۱۰	۱۹۳۹	۱۶۸۰	۱۶۸۰
	کیلومتر-تر	۰	۶۴۳۵	۷۱۲۸	۲۲۷۶	۱۹۸۰	۲۱۰۰	۲۲۰۸	۲۲۰۸

۱- پیش‌بینی و عملکرد سالهای ۱۳۷۲ و ۱۳۷۵ براساس اعتبارات مصوب در اختیار وزارت جهاد سازندگی، صورت گرفته است.

بهره‌بردار از مالک زمین در قبال پرداخت مبلغی پول یا جنس اجازه می‌شد. ۷/۵ درصد کل اراضی مزروعه به این شکل بهره‌برداری می‌شد که ۲/۵ درصد کل بهره‌برداری را در اختیار داشت.

بهره‌برداری مختلط که حدود ۸ درصد کل بهره‌برداریها را شامل می‌شد و مساحت اراضی آنها حدود ۱۱ درصد کل اراضی زراعی بود.

نتیجه دو مطالعه که در سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۹ صورت گرفته، نشان‌دهنده سطح زندگی بسیار پایین مردم دهات، فقدان سرمایه‌گذاری توسط مالکان و بازدهی بسیار کم تولیدات کشاورزی می‌باشد. نتیجه‌گیری این بررسیها در زمینه تفاوت‌های منطقه‌ای در وضع درآمد مردم روستایی و نظام قشریندی و کارکرد محافظه‌کارانه ساخت، سلسله مراتب قدرت پس از مالک بسیار ارزشمند

است و در این بررسیها متوسط درآمد خانوارهای رعیت ۱۱۲ دلار تخمین زده شده است. نتیجه این تحقیقات نشانگر آن است که بدی وضع تغذیه، بیماریهای دشتوار بسیار شدید، نرخ بهره بیش از ۱۰۰ درصد در سال و سلف فروشی محصول به واسطه‌ها به نصف قیمت از ویژگیهای روستاهای ایران در این دوره می‌باشد. نتایج کلی حاصل از تحقیق سال ۱۳۳۳ را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- تعداد زیادی از مردم برای امرار معاش به زمین روی آورده‌اند، در حالی که اراضی قابل کشت به زحمت می‌تواند درآمد کافی را برای تأمین معاش آنان فراهم کند.

۲ دولت سیستم موجود مالکیت در اراضی را حمایت می‌کند و این سیستم مالکیت سایر

شماره (۱۳): تعداد، میزان سرمایه ثابت و میزان اشتغال کارگاههای تولیدی به تفکیک نوع صنایع در مقاطع مختلف

۱۳۳۰ - ۱۳۳۹ - ۱۳۳۳ - ۱۳۳۷

نوع صنایع	تعداد			
	۱۳۳۷	۱۳۳۳	(۱۳۳۸-۳۳)	(۱۳۴۵-۴۷)
جمع	۲۹۵	۵۵۸	۱۹۲۹	۱۲۳
	۱۳۶۰۰۲	۸۶۲۲۲	۱۱۶۶۱	۳۶۶۱
	۶۶۱۳	۶۲۱۸	۱۸۲۰۰	۱۳۰۱
ذاتی	۱۸۲	۱۶۰	۶۳۲	۵۸
	۵۸۴۰۵	۳۰۰۰۲	۵۱۲۶۲	۱۲۵۳
	۲۰۷۶	۱۶۰۹	۲۱۳۳	۱۸۹
کافی	۱۳۵	۲۱۲	۷۲۵	۶۷
	۲۳۷۵۵	۲۶۷۶۱	۳۵۵۱۲	۱۹۲۵
	۱۵۸۷	۲۳۱۲	۷۰۷۳	۹۶۶
نساجی	۵۰	۶۳	۲۸۲	۸
	۱۵۱۹۱	۱۲۷۱۹	۱۲۱۶۱	۱۵۹
	۱۰۷۹	۱۲۰۵	۲۷۲۶	۹۹
شیمیایی و ساوازی	۸۱	۷۸	۱۸۰	۱۰
	۲۸۱۱۶	۸۹۸۳	۸۲۹۳	۱۰۴
	۱۰۷۲	۷۲۹	۱۷۶۸	۲۷
فلزی	۲۷	۱۵	۱۰۸	۰
	۱۰۵۳۵	۵۷۷۵	۶۹۸۰	۰
	۷۹۹	۳۲۱	۶۸۰	۰

نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روستا را به کنترل خود درآورده است.

۳- ساخت سیاسی و اقتصادی در مناطق مختلف ایران تحت نفوذ نظام موجود مالکیت اراضی است. با وجود این شرایط، قدرت سیاسی در سطوح منطقه‌ای و ملی در اختیار مالکان اراضی است.

۴- سود حاصل از فعالیتهای عام‌المنفعه در سطح استانها و سود کارخانه‌ها در نهایت توسط گروههای با نفوذ جذب می‌شود. این گروهها همان مالکان در روستاها می‌باشند.

۵- بی‌عدالتی در سیستم زمینداری دولتی نیز دست کمی از وضع مالکیت خصوصی ندارد و رعایای اراضی دولتی وضعشان بهتر از رعایای اراضی خصوصی نیست.

۶- گرایش در مالکان برای حفظ قدرت خود در روستاها از طریق ایجاد گروههای بانفوذ و واسطه‌ها در سطح روستاها دیده می‌شود.

نتایج کلی حاصل از بررسی سال ۱۳۳۹ گویای آن است که حدود ۱۴-۱۵ میلیون نفر از جمعیت روستایی حدود ۱۱/۴ میلیون هکتار از اراضی قابل کشت را در اختیار دارند که حدود ۴۰ درصد آن هر ساله در آیش باقی می‌ماند. همچنین ۱/۹ میلیون خانواده صاحب نسق بوده‌اند که کمتر از شش هکتار زمین در اختیار دارند. اما ۱/۳ میلیون خانواده روستایی حق نسق منظم نداشته و مجبور بوده‌اند که با شش هکتار زمین امرار معاش کنند. این در حالی بوده که وسعت بخشی از مزارع کمتر از ۲/۹ هکتار بوده است. به منظور حل دشواریهای ذکر شده در دهه ۱۳۴۰ اصلاحات ارضی صورت گرفت. این اصلاحات که طی یک دهه به مرحله اجرا درآمد، سبب تغییراتی در جامعه روستایی شد که مهمترین آن توسعه بهره‌برداری دهفانی به جای نظام رعیتی در دهه ۱۳۵۰ بود. اما این اقدام هم سبب حذف مالکیت از جامعه روستایی نشد، زیرا که در سال ۱۳۵۳ حدود ۲۵۸۸۲ خانوار مالک حدود ۳/۵ هکتار زمین کشاورزی را در اختیار داشتند. اگر چه اصلاحات ارضی قدرت مالکان را بر اثر مداخله دولت در روستاها از بین برد، اما این گروه بعداً به صورت سرمایه‌داران ارضی، کارمندان دولت، تاجران یا سهامداران کارخانجات دولتی

بر اثر اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ حدود یک میلیون خانوار روستایی، که در مجموع ۴۳ درصد کل بهره‌برداران ایران را تشکیل می‌دادند، ۷۰۰ هزار هکتار زمین به دست آوردند. (۴/۵) درصد کل مساحت اراضی مزروعی کشور)

این گروه را اصطلاحاً "دهقانان خرده‌پا" می‌گویند. گروه دیگری که از دو تا ده هکتار زمین به دست آوردند به "دهقانان متوسط" معروف هستند. این گروه از دهقانان به ۹۷۰ هزار خانوار بالغ می‌شدند. وسعت اراضی مزروعی در اختیار آنان ۴/۳ میلیون هکتار تخمین زده می‌شود. یعنی حدود ۲۸/۵ درصد زمینهای زراعی را به دست آوردند و بالاخره گروه سوم که از ۱۰ تا ۵۰ هکتار زمین به دست آوردند، "دهقانان مرفه" می‌باشند. این گروه که تعداد آنان به ۴۲۸ هزار خانوار می‌رسید، ۷/۵ میلیون هکتار زمین (۴۵/۵ درصد از کل اراضی زراعی) را بدست آوردند. روستاییان بی‌زمین که اصطلاحاً "خوش نشین روستایی" محسوب می‌شوند در حدود یک میلیون خانوار را در این دهه (۱۳۵۰) تشکیل می‌دادند، از نعمت

اخذ زمین محروم ماندند.

پس از انقلاب اسلامی در تاریخ بیست و ششم فروردین ماه سال ۱۳۵۹ لایحه قانونی "واگذاری و احیاء اراضی" توسط شورای انقلاب به تصویب رسید. بر اساس این لایحه اراضی به چهار گروه تقسیم شدند. این چهار گروه عبارت‌اند از:

دسته اول: اراضی موات و مراتع

دسته دوم: اراضی آباد شده توسط افراد یا شرکتها که به طور نامشروع تصرف شده و دادگاههای اسلامی به استرداد آنها حکم کرده است.

دسته سوم: اراضی بایر که قبلاً دایر بوده و بر حسب ملاکهای رژیم گذشته، ملک اشخاص یا مؤسسات شمرده می‌شده است.

دسته چهارم: اراضی دایر

اراضی دسته اول و دوم در اختیار حکومت اسلامی است و دولت موظف است که با رعایت مصالح جامعه و حدود نیاز و توانایی اشخاص، بهره‌برداری از آنها را به افراد یا ترکتهای متقاضی واگذار کند.

در مورد اراضی دسته سوم و چهارم؛ اگر

مالک به طور مشخص به کار کشاورزی یا هر کار مرتبط با کشاورزی در زمینهای تحت تصرف خود اشتغال داشت، تا سه برابر مقداری که در عرف محل برای تأمین زندگی کشاورز و خانواده او لازم است در اختیار وی باقی می‌ماند و اگر به طور مشخص به کارهای کشاورزی می‌پرداخت، تا دو برابر عرف محل می‌توانست زمین داشته باشد.

اصلاحات ارضی رژیم گذشته و جمهوری اسلامی از چند جهت با یکدیگر تفاوت دارد:

اول از جهت گروههای هدف؛ به این معنی که اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی متوجه اقشار خوش‌نشین و دهقانان خرده‌پا بود. در حالی که اصلاحات ارضی رژیم گذشته زمین بر اساس حق نسق دهقانان در سال قبل از اجرای قانون به آنان واگذار می‌شد.

دوم واگذاری اراضی مرتعی و بایر به دهقانان و خوش‌نشینان

سوم میزان اراضی واگذاری؛ که بیش از یک میلیون هکتار را دربرنگرفت.

همچنین در اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی اراضی بزرگ مالکان که از دوره گذشته

### جدول شماره (۱۴): شکل بندی و ساختار شرکتهای سهامی زراعی در ایران بعد از انقلاب تا سال ۱۳۷۰

ردیف	نام شرکت	محل	تعداد روستا	تعداد سهامداران	کل زمین شرکتهای (هکتار)	مقدار زمین زیر کشت سالانه (هکتار)	مقدار سهام وزارت کشاورزی (درصد)	تعداد گاو	تعداد گوسفند	تولید سالانه (تن)				
										گندم	ذرت	پنبه و شپش	بج	چغندر قند
۱	باغین	کرمان	۳	۱۱۶	۵۰۰۰	۱۰۹۰	۴۰	۷۰۰	۸۰۰۰	۲۰۰۰	۵۰۰	۱۵۰۰	۴۰۰۰	۶۵۰۰
۲	جیرفت	جیرفت	۴	۶۴۰	۱۰۰۰۰	۲۲۰۰	۴۰	-	-	۲۴۰۰	۲۵۰	-	۲۰۰۰	-
۳	رودآب	بم	۳	۲۳۸	۷۰۰۰	۱۳۶۰	۴۹	-	-	۴۰۰۰	۲۵۰	۵۰۰	-	-
۴	اسلام‌آباد	قائن	۳	۳۵۱	۸۰۰۰	۱۲۸۰	۴۰	۲۰۰	۱۲۰۰۰	۱۲۰۰	۱۷۰۰	۸۰۰	۶۰۰	۱۲۰۰
۵	خضری	قائن	۱۲	۱۲۹۲	۱۷۰۰۰	۱۶۰۰	۴۰	۲۰۰	۶۰۰۰	۲۰۰۰	۸۰	۱۶۰۰	۲۰۰۰	۱۴۵۰۰
۶	تربت جام	تربت جام	۳	۲۷۶	۱۲۰۰۰	۱۸۵۰	۴۰	۱۰۰	۱۵۰۰۰	۱۹۰۰	۱۴۵۰	-	-	۵۱۰۰
۷	گلپایگان	گلپایگان	۲	۱۳۵	۴۰۵۰	۱۵۰۰	۳۴	۱۰۰۰	-	۱۸۰۰	۱۰۰۰	۳۵۰۰	۸۰۰۰	-
	جمع کل	-	۲۹	۳۰۴۸	۶۳۰۵۰	۱۰۸۸۰	-	۲۲۰۰	۴۱۰۰۰	۱۵۳۰۰	۵۲۳۰	۷۹۰۰	۳۴۶۰۰	۲۷۳۰۰

منابع: برزگر، ۱۳۶۷، ج ۴ - ۲۰؛ اداره کشاورزی کرمان، ۱۳۶۹.

در اختیار آنان باقی مانده بود مصادره و در اختیار بنیادهای مستضعفان، ۱۵ خرداد و سایر بنگاههای خیریه قرار داده شد.

بر اساس نتایج به دست آمده از سرشماری کشاورزی سال ۱۳۶۷ حدود ۳۳۲۶۴۳۰ واحد بهره‌برداری وجود دارد که ۱۷ میلیون هکتار زمین را در اختیار دارند. از این واحدها ۱۹۹۰ واحد آن شرکتی بوده، ۱۶۳۰ واحد به مؤسسات عمومی و ۳۳۲۲۸۱۰ واحد دیگر در اختیار ۲۷۸۲۴۹۸ خانوار بهره‌بردار قرار دارد.

بر اساس نتایج سرشماری مذکور، حدود ۴۱/۷ درصد از بهره‌برداران فقط ۴/۹ درصد از کل اراضی کشور را در اختیار دارند. در صورتی که در بین طبقات بهره‌برداران بیش از ۱۰ هکتار زمین، در حدود ۶۴ درصد از اراضی به ۱۶/۸ درصد از بهره‌برداران تعلق دارد. مقایسه نتایج به دست آمده از سرشماری کشاورزی کشور در سال ۱۳۶۷ با نتایج سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۵۳، نشان می‌دهد که طی مدت مذکور تعداد بهره‌برداریهای دارای زمین از ۲۲۷۹۸۸۹ واحد بهره‌برداری با ۱۶۴۱۷۲۲۱ هکتار زمین به ۲۸۱۹۶۱۰ واحد با ۱۷۱۵۰۲۳۰ هکتار زمین تغییر یافته است که دارای رشدی معادل ۴/۵ درصد بوده است.

ارقام نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۳ حدود ۱۴/۹ درصد اراضی کشاورزی به ۶۰/۳ درصد بهره‌برداریهای تعلق داشته است. در صورتی که این نسبت در سال ۱۳۶۷ به ترتیب حدود ۱۷/۲ درصد و ۶۶ درصد بوده است. همچنین در سال ۱۳۵۳ حدود ۱/۱ درصد بهره‌برداریهای در گروه بهره‌برداریهای دارای بیش از ۵۰ هکتار قرار داشته‌اند که قریب به ۲۱/۴ درصد کل اراضی کشور را در اختیار داشته‌اند. در سال ۱۳۶۷ نیز با وجود اینکه ۳/۱ درصد از بهره‌برداران در این گروه قرار داشته‌اند، ولی این عده ۱۸/۷ درصد اراضی را در اختیار داشته‌اند.

با توجه به میزان زمینی که در اختیار تعداد معدودی از واحدهای بهره‌برداری قرار دارد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که با وجود تغییر و تحولاتی که در ساختار قدرت در سطح ملی صورت گرفته، اما توزیع زمین در جامعه روستایی همچنان ناعادلانه است.

## ۲- بررسی نظامهای بهره‌برداری بعد از انقلاب

انقلاب اسلامی تحولات زیادی در ساختار زراعی ایران ایجاد کرد. با به وجود آمدن نیروهای ساختاری تحرک بیشتری در نظام زراعی ایران انجام گرفت. در بخش خصوصی، کشاورزی با خلع کردن بسیاری از بزرگ مالکان و سرمایه‌داران زراعی، وضعیت خرده مالکان و دهقانان مستقل استحکام بیشتری پیدا کرد. در بخش دولتی واحدهای بهره‌برداری بزرگ حفظ شد و در نتیجه آرایش نظامهای بهره‌برداری به هم خورد و دوباره به تدریج نظامهای بهره‌برداری قدیمی احیا شد و همچنین نظامهای جدیدی شکل گرفت. در این قسمت به طور مختصر خصوصیات هفت نوع نظام بهره‌برداری موجود بعد از انقلاب بررسی می‌شود.

### الف) مشاعها

نظام بهره‌برداری "مشاع" از نظامهای بهره‌برداری جدیدی بود که بعد از انقلاب به مجموعه نظامهای بهره‌برداری اضافه شد. مشاع یعنی "مالکیت جمعی بر یک قطعه زمین" که یکی از مفاهیم اساسی فقه شیعه است.

با توجه به مسئله تقسیم زمین بین روستاییان بی‌زمین و جلوگیری از خرد شدن و پراکندگی زمینهای زراعی، قرار شد تا زمینهای واگذاری به صورت مالکیت مشاعی در اختیار روستاییان قرار گیرد. در شهریور ۱۳۵۸ لایحه واگذاری زمین به صورت مشاع بین روستاییان بی‌زمین تصویب شد. بر اساس این لایحه، زمین باید به آن دسته از روستاییان واگذار می‌شد که سابقه کار بر روی زمینهای کشاورزی را داشتند. این روستاییان باید تجربه و قدرت بدنی کافی برای کار در زمینهای کشاورزی مشاعی را می‌داشتند.

در نظام مشاع، زمین، آب و وسایل اساسی کشاورزی متعلق به همه اعضاء است. در حالی که اعضاء مشاع می‌توانند به طور انفرادی نیز صاحب ابزار جزئی تولید باشند. همه اعضاء مشاع، مالک کل زمین هستند و این چنین نیست که یک فرد قسمتی از زمین را در مالکیت خود داشته باشد یا حتی همیشه در یک قطعه از زمین کشت کند. ضمناً اعضاء مشاع به هیچ وجه حق

تقسیم زمین بین خود را ندارند. همچنین زمین یا قطعه‌ای از آن را نمی‌توانند بفروشند. مدیریت و کنترل در مشاع به طور یکسان توسط همه اعضاء انجام می‌گیرد و تصمیم‌گیریها با نظارت هیئت هفت نفره واگذاری زمین می‌باشد. تقسیم کار در مشاعها بر اساس قواعد سنتی محل و عمدتاً به طور یکسان است. وظایف هر عضو مشاع مشخص و اصولاً یک چرخش وظایف در درون مشاع وجود دارد. تقسیم محصول بین اعضاء در مشاعها پس از کسر هزینه‌های مشاع به طور مساوی است. مگر اینکه با توافق اعضاء برای عضو که بیشتر کار کرده است، سهم بیشتری را در نظر بگیرند.

گرچه در چارچوب مشاعها سعی شده

**نظام زراعی مستقل دهقانی بعد از انقلاب نیز شایعترین نظام بهره‌برداری است که از لحاظ کمی، تأمین کننده بخش مهمی از مواد غذایی مملکت است. مشکل عمده‌ای که این نظام با آن رو به روست، مسئله کوچکی و پراکندگی بسیاری از مزارع کشاورزی است. در حال حاضر دهقانان مستقل خرده‌پا رغبت و تمایلی به یکپارچه شدن اراضی خود و اشتراک منافع با سایرین ندارند.**

یگانگی و انسجام گروهی حفظ شود، اما عواملی از قبیل انگیزه مالکیت فردی، واگذاری اراضی موات، سرمایه‌گذاری و تقسیم کار باعث به وجود آمدن مسائل و مشکلاتی برای مشاعها شده است که حل این مشکلات احتیاج به برنامه ریزی دقیق دارد.

**ب) ادامه حیات تولیدکنندگان مستقل زراعی**

نظام زراعی مستقل دهقانی بعد از انقلاب نیز شایعترین نظام بهره‌برداری است که از لحاظ کمی، تأمین کننده بخش مهمی از مواد غذایی مملکت است. مشکل عمده‌ای که این نظام با آن رو به روست، مسئله کوچکی و پراکندگی بسیار، از

مزارع کشاورزی است. در حال حاضر دهقانان مستقل خرده پا رغبت و تمایلی به یکپارچه شدن اراضی خود و اشتراک منافع با سایرین ندارند. علت این امر چند چیز است:

- موضوع مالکیت و تعلق خاطر دهقان به قطعه زمین و حقایق که دارد.

- افزایش شدید بهای اراضی شهری و روستایی طی سالهای بعد از انقلاب و مسئله بورس سرسام آور افزایش قیمت زمین

کوچکی و پراکندگی زمینهای دهقانان مستقل در ایران باعث شده تا آنان به شغلای دوم و سوم روی بیاورند و در مجموع جامعه با کشاورزان چند پایگاهی روبه رو می باشد.

### ج) تأسیس مجدد تعاونیهای تولید روستایی

مسئله کوچکی و پراکندگی واحدهای دهقانی، مسئولین کشاورزی را بر آن داشت تا بر ایجاد تعاونیهای تولید روستایی تأکید داشته باشند. در سال ۱۳۶۸ دولت با توجه به اهداف زیر اقدام به تشکیل تعاونیهای تولید روستایی نمود:

۱- یکپارچه شدن اراضی پراکنده کشاورزان  
۲- تبدیل زمینهای زراعی چند دهقان خرده پا به یک واحد بهینه اقتصادی  
۳- تشکیل تعاونیهای پراکنده دهقانان و شکل بخشیدن به روحیه همکاری و مشارکت در کار تولید

۴- جلوگیری از خرد شدن مجدد واحدهای تولیدی

۵- استفاده مشترک از ماشین آلات و تجهیزات کشاورزی

۶- افزایش راندمان آبیاری با یکپارچه شدن اراضی و کشت یکدست

۷- افزایش سطح کشت و تولید در واحد سطح در حوزه عمل شرکتیهای تعاونی

۸- افزایش درآمد کشاورزان و اعضای شرکتها

۹- فراهم شدن زمینه لازم برای اجرای خدمات زیربنایی و مهندسی در امر یکپارچه سازی اراضی

۱۰- امکان اعمال سریعتر و جامعتر سیاستهای کشاورزی در مناطق روستایی با توجه به این که وزارت کشاورزی تلاش زیادی برای تأسیس تعاونیهای تولید روستایی

نموده است، اما به طور کلی هنوز شرکتهای تعاونی تولید بخش مهمی از اقتصاد زراعی ایران را تشکیل نمی دهند. اما از آنجایی که مبادلات کلی کشور در چارچوب بازار است، به نظر می رسد که تعاونیهای تولید روستایی در مرحله مبادله، زیر فشار اقتصاد سرمایه داری قرار دارند. از طرف دیگر پایه این تعاونیها بر پایه میزان زمین اعضا است، نه بر پایه مقدار کار عرضه شده توسط هر عضو، لذا در این تعاونیها، آن دسته از کشاورزانی که زمین بیشتری دارند از وجود تعاونی بهره بیشتری می برند و همین امر در آینده باعث ظهور ناهمگونی در این تعاونیها خواهد شد.

### د) مقاومت نظامیهای بهره برداری ماقبل سرمایه داری

با وجود مصادره و توزیع زمینهای بخشی از زمینداران و سرمایه داران زراعی بعد از انقلاب در بین کشاورزان، اشکال مختلف نظام بهره برداری سرمایه داری اعم از نظام سهم بری، نصفه کاری و اجاره داری ثابت حفظ شده است. از آنجایی که در نظامیهای بهره برداری معمولاً اندازه زمینهای زراعی لازم، بیشتر است و در کنار آن عوامل مختلف تولیدی بازدهی را افزایش می دهند، بقا و گسترش این نظامیهای بهره برداری به جهت کمک به خودکفایی در امر کشاورزی مورد توجه وزارت کشاورزی است.

### ه) تلاش برای بقای مزارع سرمایه داری انفرادی

بعد از پیروزی انقلاب زمینهای بسیاری از مالکان مصادره شد. زمینهای بزرگ مالکانی که جزیی از ساختار بورژوازی زراعی در رژیم قبل بودند و مملکت را ترک کرده بودند یا به دست کشاورزان فقیر و بی زمین افتاد با بنیاد مستضعفان آنها را ضبط کرد. با اینکه بین ۵ هزار تا ۵۶۰۰ بزرگ مالک و بورژوازی زراعی خلع ید شدند، هنوز هم جامعه شاهد بقای بسیاری از مزارع سرمایه داری است. به علت اینکه بسیاری از سرمایه داران زراعی تنها بخشی از زمینهای خود را از دست دادند و توانستند با باقیمانده آن بسیاری از واحدهای زراعی بزرگ و نظام بهره برداری سرمایه داری انفرادی را حفظ کنند.

به طور کلی پس از سال ۱۳۶۷ خط مشی کشاورزی در جهت توجه بیشتر به تولیدکنندگان عمده شد. این نکته در سخنرانیهای متعدد مسئولان وزارت کشاورزی نمایان است. این عده از دست اندرکاران معتقدند که وجود کشاورزی سنتی و واحدهای کوچک و متوسط تولید در بخش کشاورزی نمی تواند به تأمین نسبی مواد غذایی و تأمین مواد اولیه منتهی شود، لذا ایجاد واحدهای زراعی را الزامی می دانند.

### و) استقرار مجدد شرکتهای سهامی زراعی

پس از پیروزی انقلاب بنا به درخواست سهامداران زراعی تعداد ۸۸ شرکت از ۹۳ شرکت موجود، منتحل زمینهای آنها به سهامداران که در اصلاحات ارضی زمین به دست آورده بودند برگردانده شد. علل عمده انحلال شرکتهای سهامی زراعی عبارتند از:

- ۱- حاکمیت جو سیاسی و دگرگونیهای خاص ناشی از انقلاب در سال ۱۳۵۸
- ۲- تقویض اختیار وزارت کشاورزی به زارعین جهت تصمیم گیری برای بقا یا انحلال شرکتهای سهامی زراعی به منزله عدم حمایت و حتی نفی آن
- ۳- تحریک برخی عوامل بانفوذ محلی و حتی تحریم آن از سوی برخی مقامات مذهبی
- ۴- ناراضی زارعین از شرکتهای سهامی زراعی

در سال ۱۳۶۷ دولت اعلام کرد: "کشاورزانی که اراضی آنها کمتر از ۱۰ هکتار باشد، باید در شرکتهای سهامی زراعی یا تعاونیهای تولید عضو شوند." این آگهی از طرف کشاورزان جدی تلقی نشد. در نتیجه وزارت کشاورزی اقدام به حفظ پنج شرکت موجود و تأسیس مجدد دو شرکت در استان کرمان نمود. جدول شماره (۱۵) شکل بندی و ساختار هفت شرکت سهامی زراعی در ایران را نشان می دهد.

شرکتهای سهامی زراعی قبل از انقلاب با مشکلاتی رو به رو بودند که پس از انقلاب سعی شده تا حد امکان مشکلاتشان برطرف شود. یکی از مشکلاتی که قبل از انقلاب این شرکتها در مناطق روستایی با آن رو به رو بودند، مسئله بوروکراسی بود که متأسفانه پس از انقلاب هم، هنوز به این نکته توجه نشده است.

اگر کنترل شرکتها به دست خود روستاییان باشد و سعی شود که مدیران آن از بین خود اعضاء و سازمان کاری شرکتها با نظر خود روستاییان تعیین شود، در واقع بهای بیشتری به خودگردانی شرکتها داده می‌شود. از این طریق دیگر شرکتها، مراکزی بیگانه در جامعه روستایی نخواهند بود. در حال حاضر شرکت‌های سهامی زراعی، نیازمند کمک‌های بموقع وزارت کشاورزی در جهت تسهیل عملیات مختلف کشاورزی هستند.

## تقویت واحدهای کشت و صنعت موجود و تأسیس واحدهای جدید

با پیروزی انقلاب اسلامی بعضی از شرکت‌های کشت و صنعت به موجب لایحه قانونی منحل شدند و وزارت کشاورزی، بنیاد مستضعفان و بانک کشاورزی کنترل آنها را به عهده گرفتند. در سال‌های اول پس از انقلاب با توجه به جو سیاسی موجود، تمایل عمومی در جهت منحل کردن واحدهای کشت و صنعت بود. پس از گذشت چند سال با توجه به افزایش تولیدات کشاورزی در مملکت، واحدهای منحل شده مجدداً تقویت شده و ایجاد واحدهای جدید تشویق شد که نتیجه اعتقاد مستخصان و دست‌اندرکاران امور کشاورزی به اهمیت واحدهای بزرگ زراعی بود. به طور کلی می‌توان چنین بیان داشت که واحدهای کشت و صنعت توانستند در دوران انقلاب بقای خود را حفظ کنند. واحدهایی که با مشارکت سرمایه‌های خارجی تشکیل شده بودند، به واحدهای کاملاً وطنی تبدیل شدند و دولت در حال حاضر سهم مهمی در سرمایه‌گذاری این واحدها دارد. روند توسعه کشاورزی به گونه‌ای است که تأسیس واحدهای کشت و صنعت جدید مورد نظر وزارت کشاورزی است. بخش خصوصی نیز در سال‌های اخیر تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در این گونه واحدها نشان داده است.

## نظام قشربندی اجتماعی

قشر بندی اجتماعی عبارت از تقسیم مردم یک جامعه به لایه‌ها یا قشرهای عمودی است. به عبارت دیگر، نظام قشربندی جامعه، افراد را بر حسب میزان برخورداری از کیفیتهای مطلوب زندگی رتبه‌بندی کرده و آنان را در طبقات

اجتماعی متناسب با وضعیتشان قرار می‌دهد. قشربندی در جامعه روستایی ایران از دو بخش مجزا، اما در ارتباط با یکدیگر تشکیل یافته است. اول بخش زراعی و دوم بخش غیرزراعی که در سه طبقه کلی استخدام کنندگان، تولید کنندگان مستقل و کارگران قابل مطالعه است. گرچه این تقسیم‌بندی ترکیب طبقاتی را در سطح بسیار وسیع نشان می‌دهد، اما برای فهم دقیق طبقات و اقشار کشاورزی باید آنها را در ارتباط با نظامهای بهره‌برداری مطالعه کرد.

## ۱- دهقانان مستقل

دهقانان مستقل به عنوان تولیدکنندگان خرده‌پا، در ایران بخش اعظم تولید زراعی را در اختیار خود دارند. گرچه از لحاظ کمی، بیشترین مقدار زمینها و تولید را در اختیار دارند و در مرحله تولید، زیر استعمار سایر طبقات نمی‌باشند، اما از آنجایی که مجبورند مازاد تولید خود را در بازار مبادله نمایند، لذا در مرحله مبادله، زیر نفوذ مستقیم روابط بازار می‌باشند. این طبقه اجتماعی، حداقل دارای سه قشر پایینی، میانی و بالایی است. تعداد افراد این طبقه پس از انقلاب، در اثر واگذاری زمین به برخی از روستاییان بی‌زمین و همچنین ایجاد واحدهای مشاع با تملک گروهی بر زمین افزایش یافت.

## ۲- دهقانان استخدام‌کننده کوچک

در ساختار طبقاتی زراعی ایران دهقانانی وجود دارند که میزان زمین زراعی آنها بیش از توان نیروی کار خانوار است. این گروه مجبور هستند برای مراحل کشت و داشت و برداشت تعدادی کارگر، علاوه بر نیروی کار خود و خانواده‌اش اجیر کنند. از یک طرف نه خدمت گرفتن چند کارگر در سال و از طرف دیگر استفاده از نیروی کار خود و اعضای خانوار، باعث شده است که آنها از لحاظ طبقاتی در یک موقعیت بینابین بین دهقانان مستقل و سرمایه‌داران کشاورزی قرار گیرند. افراد این طبقه می‌توانند از تحرک اجتماعی عمودی رو به بالا یا رو به پایین برخوردار شوند.

به طور کلی اندازه زمین دهقانان استخدام‌کننده کوچک در جامعه زراعی ایران رو

به گسترش است و این روند با افزایش فرایند خرد شدن و قطعه‌قطعه شدن زمین دهقانان مستقل در ارتباط مستقیم است.

## ۳- زمینداران

هنوز در جامعه روستایی ایران طبقه‌ای به نام مالکان ارضی و یا زمینداران کشاورزی وجود دارد. این طبقه اجتماعی از یک طرف بخش وسیعی از افراد جامعه را در برمی‌گیرد و از طرف دیگر خود نیز طیف وسیعی دارد. از لحاظ محتوای اجتماعی، افراد از طبقات و گروههای اجتماعی - اقتصادی مختلف صاحب زمین می‌باشند. بسیاری از آنها ساکن شهرها بوده، اما به لحاظ اجتماعی - اقتصادی در روستاها حضور دارند. درصد کمی از آنها نیز ساکن روستاها می‌باشند. بخش مهمی از افراد این طبقه زمیندارانی هستند که در روستا حضور ندارند. از لحاظ اندازه زمین این افراد را می‌توان به سه گروه مشخص تقسیم کرد: خرده مالکان، مالکان متوسط و عمده مالکان.

تعداد خرده مالکان در ایران بسیار زیاد است و تعداد زیادی از آنها ساکن شهرها می‌باشند. این افراد زمینهای خود را که معمولاً در حد معیشت یک خانوار است یا به افراد روستایی با نرخ بسیار پایین اجاره داده یا به صورت سهم‌بری واگذار می‌کنند. در بسیاری از موارد نیز تنها برای حفظ موقعیت خانوادگی خود آنها را در روستا به اقوام و خویشاوندان به طور مجانی واگذار کرده و یا اصولاً بدون کشت رها می‌کنند.

مالکان متوسط، افرادی هستند که بین یک ششم تا یک سوم زمینهای روستایی را در مالکیت خود دارند. این افراد، همسران و فرزندان مالکان بزرگ قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ در ایران هستند. این دسته از مالکان معمولاً زمینهای خود را به زارعان سهم‌بر یا مستأجر واگذار کرده و در مقابل مقداری سهم و اجاره دریافت می‌دارند. این افراد معمولاً منبع درآمد غیرزراعی هم دارند و به زمینهای خود بیشتر به عنوان یک پشتوانه اجتماعی می‌نگرند.

امروزه در ایران به افرادی "عمده مالکان اراضی" گفته می‌شود که صاحب بیش از نیمی از زمینهای یک روستا باشند. در ابتدای انقلاب

مالکیت این افراد به خطر افتاد، ولی با گذشت زمان و تصویب لایحه‌هایی در مجلس شورای اسلامی در صورت اثبات حقانیت، مالکیت این افراد در موقعیت تثبیت شده قرار گرفت. این دسته از مالکان نیز عمدتاً زمینهای خود را به صورت سهم‌بری یا اجاره‌ای به روستاییان واگذار می‌کنند.

#### ۴- سهم بران

امروزه رابطه سهم‌بران با مالکان بسیار متفاوت از آن چیزی است که قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ وجود داشت. سهم‌بران دیگر مجبور به تسلیم در برابر اجاره‌های غیراقتصادی نیستند. در مقابل مالکان خود را موظف نمی‌دانند تا از سهم‌بران در مواقع بدی محصول پشتیبانی کنند. در نتیجه رابطه بین مالک و سهم‌بر به صورت یک رابطه کاملاً اقتصادی درآمده است. در اثر انقلاب، مالکان دیگر تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند سهم‌بران را از حق نسق زراعی محروم کنند. اکثر سهم‌بران به صورت انفرادی بر روی

زمینهای زراعی مالکان کار می‌کنند و صاحب وسایل تولیدی خود هستند. به همین لحاظ از نظر طبقاتی بن کارگران کشاورزی و دهقانان مستقل قرار می‌گیرند. در ابتدای انقلاب سهم‌بران امیدوار بودند که با قانون اصلاحات ارضی جدید صاحب زمین شوند، اما با اجرای اصلاحات ارضی مطمئن شدند که در حال حاضر باید همان سهم‌بر باقی بمانند، گرچه امید خود را برای مالک شدن از دست نداده‌اند.

#### ۵- مستأجران

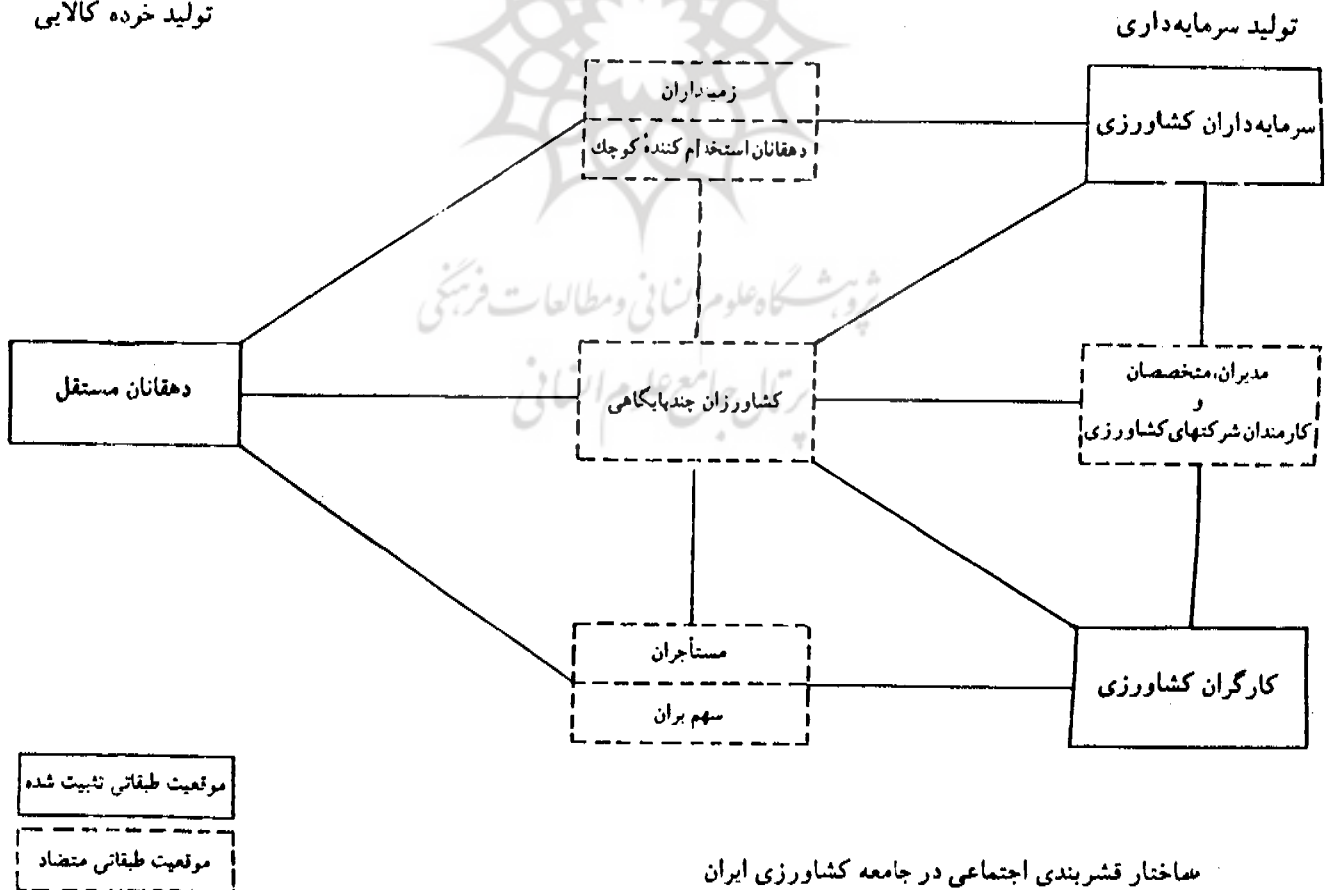
مستأجران افرادی هستند که مالکیتی بر زمین زراعی ندارند، بلکه با پرداخت مبلغ اجاره حق استفاده از زمین را به دست می‌آورند. به لحاظ جایگاه طبقاتی، آنها بین دهقانان مستقل و کارگران قرار می‌گیرند. این افراد مانند کارگران کشاورزی مالکیتی بر زمین زراعی ندارند و موقعیت تثبیت شده‌ای نیز ندارند، مگر در مورد موجران و قفی که قوانین مربوط به اوقاف،

موقعیت این گونه موجران را تثبیت نموده است. بسیاری از زمینداران ترجیح می‌دهند که زمینهای خود را به صورت اجاره‌ای به کشاورزان واگذار کنند، زیرا در صورت بروز اختلال در فرایند تولید، ضرری متوجه آنها نخواهد شد و مستأجر در هر حال مجبور به پرداخت مبلغ اجاره است. در حالی که در شکل سهم‌بری مالک در ضرر ناشی از بدی تولید با سهم‌بر شریک است.

#### ۶- کشاورزان چندپایگاهی

کشاورزان چند پایگاهی، طبقه‌ای نسبتاً جدید در جامعه روستایی ایران هستند. این گروه شامل آن دسته از کشاورزانی می‌شود که در بیش از یک موقعیت طبقاتی حضور دارند. طبقه کشاورزان چندپایگاهی طبقه‌ای کاملاً ناهمگون شامل اقشار مختلف و متعددی است که از پایگاه اجتماعی کاملاً متحرکی برخوردارند. این تحرک اجتماعی باعث تغییر در ترکیب قشرها می‌شود. هر چه ارتباط فیزیکی و اقتصادی بین شهرها و

#### تولید خرده کالایی



ساختار قشریندی اجتماعی در جامعه کشاورزی ایران



روستاها فشرده‌تر شود، چند پایگاهی شدن کشاورزان دامنه و وسعتی خواهد یافت و تعداد افراد این طبقه با سرعت رو به افزایش خواهد گذاشت به طوری که در آینده‌ای نه چندان دور تفکیک پایگاههای روستایی از شهری بسیار مشکل خواهد شد.

## ۷- سرمایه‌داران زراعی

سرمایه‌داران زراعی، افراد یا مؤسساتی هستند که صاحب زمین زراعی می‌باشند. آنها با سرمایه‌گذاری در واحد زراعی، تعداد قابل ملاحظه‌ای کارگر کشاورز استخدام می‌کنند. این طبقه اجتماعی در جامعه روستایی معاصر ایران سابقه نسبتاً طولانی دارد. سرمایه‌داران زراعی متنوع و شامل اقشار ناهمگونی از سرمایه‌داران انفرادی، صاحبان واحدهای کشت و صنعت و سهامداران شرکتهای سهامی می‌باشند.

سرمایه‌داران زراعی در ایران عمدتاً برای بازار ملی و بین‌المللی تولید می‌کنند. نوآوری از انگیزه‌های اصلی آنهاست. برای این منظور همیشه سعی در به کارگیری وسایل جدید و ماشین‌آلات کشاورزی دارند تا از این طریق بتوانند بر میزان سرمایه خود بیافزایند. بسیاری از این سرمایه‌داران از طبقات و اقشار متعلق به نظامهای غیرسرمایه‌داری استفاده می‌کنند تا بدین وسیله هزینه نیروی کار مورد نیاز واحد اقتصادی خود را پایین بیاورند. سرمایه این طبقه اجتماعی عمدتاً از شهرها تأمین می‌شود. لذا اقتصاد واحد تولیدی سرمایه‌داری زراعی با سرمایه‌های موجود در شهرها ادغام شده است.

## ۸- مدیران، متخصصان و کارمندان شرکتهای کشاورزی

جایگاه این طبقه اجتماعی بین کارگران و سرمایه‌داران است. این افراد گرچه در روستاها زندگی نمی‌کنند، اما ارتباط آنها با جامعه روستایی آنها را جزئی از قشریندی روستایی نموده است. مدیران سعی می‌کنند تا با به کارگیری اصول مدیریت زراعی، هزینه‌های شرکت را کاهش داده و در مقابل سطح منفعت شرکت را افزایش دهند. امروزه چندین هزار واحد زراعی سرمایه‌داری در ایران وجود دارد که صاحبان آنها معمولاً ساکن



کارگران غیررسمی بیشتر در ایام برداشت محصول به صورت روزمزد استخدام می‌شوند. در نتیجه کارگران کشاورزی همیشه مجبورند برای تأمین مخارج خود مدتی از سال را به کارهای غیرکشاورزی بپردازند.

مسئله‌ای که در خصوص کارگران کشاورزی قابل تأمل است، دستمزد آنهاست. به طور کلی دستمزد کارگران روستایی به نسبت کارگران شهری پایین‌تر است و تفاوت دستمزد در مناطق مختلف زیاد به چشم می‌خورد. به همین جهت بعد از انقلاب، شورای عالی کار کشاورزی به منظور حفظ حداقل دستمزد برای کارگران کشاورزی قوانینی تصویب کرده است که عبارت‌اند از:

الف) حداقل مزد روزانه کارگران مشاغل و فعالیتهای مشمول قانون کار کشاورزی از تاریخ ۶۷/۱/۱ در سراسر کشور ۸۳۰ ریال است.

ب) کلیه واحدهای کشاورزی مشمول این قانون موظف هستند مادمی که مجموع دریافت هر کارگر متأهل و معیل با احتساب فرد ثابت کمتر از ۴۰ هزار ریال در ماه باشد، دریافتی وی را به ۴۰ هزار ریال خالص ترمیم و پرداخت نمایند.

ج) کارفرمایان مکلف هستند به ازای هر کارگر شاغل ماهانه ۴۰ هزار ریال به عنوان کمک هزینه تأمین کالای ضروری به حساب اتحادیه منظور و

شهرها می‌باشند و قسمتی از زمان کار را در مزارع می‌گذرانند. بالاخره کارمندان شرکتهای که در قشر هماهنگ کننده امور مدیریت با تولید زراعی این شرکتهای فعال هستند. با گسترش شرکتهای زراعی سرمایه‌داران، انتظار می‌رود که بوروکراسی در قشریندی طبقات اجتماعی روستا افزایش یابد. بدون شک افزایش بوروکراسی در امور زراعی لزوماً همیشه اثرات مثبتی برجای نخواهد گذاشت.

## ۹- کارگران کشاورزی

کارگران کشاورزی در روستاها افرادی هستند که صاحب زمین و وسایل تولید نیستند و تنها نیروی کار خود را عرضه می‌کنند و در مقابل دستمزد دریافت می‌کنند. این طبقه سابقه‌ای نسبتاً طولانی در جامعه روستایی ایران دارند. بررسیهای متعدد نشان داده است که حتی قبل از گسترش نظام سرمایه‌داری در بخش کشاورزی ایران، کارگران کشاورزی به صورت بررگران وجود داشته‌اند.

بخش کشاورزی سرمایه‌داران عمدتاً بر پایه نیروی کار کارگران کشاورزی استوار است. اشتغال به کار این کارگران به دو شکل رسمی یا تمام وقت و غیررسمی یا فصلی مشهود است. معمولاً

کالاهای اساسی را به همان میزان دریافت و در اختیار کارگران واحد خود قرار دهند.

از آنجایی که مقدار دستمزدی که در قانون مشخص شده است در مقایسه با دستمزد مشاغل کاری در شهرها پایین تر است، بسیاری از کارگران روستایی ترجیح می دهند که برای کاری به شهرها مهاجرت کنند. همین امر باعث شده تا استخدام کنندگان کارگران کشاورزی راه حل را در اجیر نمودن کارگران مهاجر خارجی جستجو کنند. لذا امروزه در قشر بندی اجتماعی قشر کشاورزی ایران، جامعه با کارگران مهاجر خارجی روبه رو می باشد.

## وضعیت کشاورزی

ارزش افزوده بخش کشاورزی همواره سهم مهم و قابل توجهی در تولید ناخالص ملی داشته است. زمانی بیش از ۸۰ درصد تولید ناخالص ملی از بخش کشاورزی تأمین می شده است، ولی به مرور زمان و با کاهش توجه نسبت به بخش کشاورزی و معطوف شدن بخش اعظم توجه و سرمایه به بخش خدمات و صنعت و رونق کاذب آنها، سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص ملی رو به کاهش نهاد. ولی همواره بخش کشاورزی نسبت به صنعت ارزش افزوده بیشتری را در تولید ناخالص ملی تشکیل داده است و جالب توجه این است که طی سالیان گذشته ارزش صادرات بخش کشاورزی نیز همواره بیش از صادرات صنعتی بوده است.

تولید بخش کشاورزی را می توان به صورت بسیار کلی تابعی از عوامل زمین، نیروی کار، سرمایه و فن آوری دانست. سطح اراضی اختصاص یافته به کشت طی چند دهه اخیر افزایش چندانی نداشته است. با وجود اینکه زمینهای بایر قابل عمران، حدود ۳۳ میلیون هکتار - یعنی ۲۰ درصد اراضی کل کشور - تخمین زده شده است، اما سطح زیر کشت سالانه به صورت دائم، آیش آبی و دیم در سالهای اخیر کاهش داشته است. در صورتی که سطح زمینهای زیر کشت آبی طی سالها، در حدود ۴ میلیون هکتار ثابت مانده است. عامل دیگر در تولید محصولات کشاورزی، نیروی انسانی است. چنانکه همگان معترفند، بخش کشاورزی ایران در زمینه نیروی

انسانی هیچگاه با کمبود مواجه نبوده است. حتی با وجود افزایش مهاجرت از روستا به شهری سه دهه اخیر، هنوز بیکاری پنهان و فصلی در بین روستائیان دیده می شود. به عنوان مثال در حالی که در کشورهای صنعتی میزان نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی کمتر از ۱۰ درصد می باشد، در کشور ایران این رقم به ۵۰ درصد می رسد. از لحاظ کیفی نیز بهبود چشمگیری در وضعیت نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی دیده نمی شود. برای افزایش کیفیت نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی احتیاج به سرمایه گذاریهای بلندمدت و کوتاه مدت جهت آموزش می باشد.

عامل دیگر در امر تولید، مسئله فن آوری است. به طور کلی تغییرات سطح فن آوری در کشاورزی ایران را نمی توان مطلوب دانست. اگر هم تغییراتی در فن آوری در کشاورزی ایران روی داده است، این تغییرات بسیار کند بوده است. روند آهسته و بسیار کند افزایش عملکرد در هکتار محصولات عمده کشاورزی را می توان به عنوان یکی از دلایل عدم بهبود و توسعه فن آوری در کشاورزی ایران محسوب داشت. به علت توجه نکردن به توسعه فن آوری در بخش کشاورزی و سرمایه گذاری در این امر، قیمت محصولات زراعی در ایران گرانتر از کشورهای صنعتی می باشد و همین امر موجب روی گردانی بیشتر از کشاورزی و تشدید مهاجرت به شهرها و افزایش واردات از کشورهای صنعتی می شود. در حالی که توسعه و پیشرفت فن آوری به طور قطع می تواند در افزایش تولید و توسعه کشاورزی بسیار مؤثر باشد.

به عنوان آخرین عامل عمده در تولید محصولات کشاورزی، باید از عامل سرمایه نام برد که در تصمیم گیری در تولید نیز نقشی بسیار اساسی دارد. اگر ادعا شود که مهمترین عامل در تولیدات محصولات کشاورزی سرمایه می باشد، سخن گزافی گفته نشده است. در حقیقت می توان گفت که در اقتصاد کشاورزی ایران، عامل سرمایه به صورتی نامناسب و ناکافی با سایر عوامل تولید در محصولات کشاورزی ترکیب شده و همین امر باعث عدم توسعه بخش کشاورزی شده است. بخش کشاورزی از نظر تشکیل سرمایه ثابت

ناخالص داخلی، سرمایه گذاری ثابت دولت و ورود کالاهای سرمایه ای نسبت به سایر بخشها از جمله صنعت کمتر مورد بررسی قرار گرفته است و از سوی دیگر، با عدم سیاستهای صحیح قیمت گذاری و نبود حمایتهای لازم، نرخ داخلی بازدهی سرمایه در این بخش، بویژه در مورد تولیدات محصولات اساسی - بسیار کمتر از سایر فعالیتها شده است. علاوه بر آن اعطای وام و اعتبارات بانکی همواره به سود سایر بخشها بوده است.

## نتیجه گیری

کوششها و تلاشهای اجرایی گوناگونی طی دهه های اخیر - بویژه پس از انقلاب اسلامی - در زمینه توسعه کشاورزی صورت گرفته است که نتیجه آن افزایش تولید و بهبود نسبی وضع کشاورزی کشاورزان است. اما در مقایسه با معیارهای جهانی و در مقام مقایسه با دستاوردهای جوامع پیشرفته، چندان رضایت بخش و اطمینان آفرین نبوده است. این امر نشان دهنده مسائل بنیادی و نهادی در این بخش از اقتصاد است. این مشکل تنها ریشه در بخش کشاورزی ندارد، بلکه به مجموعه ای از تعاملات اقتصادی، اجتماعی و فنی حاکم بر سایر بخشهای اقتصادی برمی گردد که بر عملکرد کشاورزی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم دارد.

در ایران در مقاطع زمانی گوناگون - بویژه پس از انقلاب اسلامی - برای بهبود وضع کشاورزی روستایی گامهای مهمی برداشته شده است. اما هنوز هم این بخش فاقد یک مدیریت نظام مند است و اقدامهای پراکنده ای هم که در جهت رفع این اشکال صورت گرفته، یا ثمربخش نبوده یا ناتمام باقی مانده است. مدیریت بهره برداری از عوامل تولید در بخش کشاورزی روستایی، طی دهه های اخیر در قالب انواع نظامهای بهره برداری که باهم در تضاد نیز می باشند، تجلی پیدا کرده است.

نظام بهره برداری دهقانی، هنوز عمده ترین نظام بهره برداری از نظر مدیریت می باشد. تغییرات درونی این نظام بهره برداری سبب شده که امروزه عنوان نظام بهره برداری دهقانی معرف توده یکدست و یکنواختی نباشد. زیرا که اشکال

مفاوت این نظام مثل خرده مالکی، سهم‌بری و اجاره‌ای هر کدام با اندازه‌های متفاوتی از همبازی، میزانهای مختلفی از تولید (خود مصرفی یا تولید برای فروش) اندازه واحد بهره‌برداری (کمتر از یک هکتار تا ۱۰۰ هکتار) و فن‌آوری (از سنتی تا نوین) تنوع زیادی را در نظام دهقانی ایجاد کرده است.

قبل از انقلاب اسلامی، مدیریتهای بهره‌برداری از نوع بزرگ مقیاس، به منظور انتقال سرمایه و فن‌آوری به بخش کشاورزی نظیر واحدهای کشت و صنعت، تعاونی تولید و شرکت‌های سهامی زراعی رواج داشت. علاوه بر اینها در همین دوره عرصه کشاورزی کشور شاهد ظهور مدیریتهای دیگری نیز بود که از میان این مدیریتها که بیشتر به ابتکار بخش خصوصی ایجاد شده بود، می‌توان به نظامهای سرمایه‌داری ارضی و ... اشاره کرد.

تحولات ایجاد شده پس از انقلاب اسلامی در بخش کشاورزی روستایی به گوناگونی نظامهای بهره‌برداری منجر شد. ضمن آنکه انقلاب تغییرات خاص خود را به همراه داشته است. از اقدامات مهم در زمینه ایجاد نظامهای بهره‌برداری جدید، تأسیس مراکز خدمات کشاورزی بود که پیش‌بینی می‌شد تعداد آنها تا پایان برنامه دوم به ۷۰۰ واحد برسد. همزمان وزارت جهاد سازندگی به منظور عمران روستایی اقدام به تأسیس مراکز جهاد دهستان و بخش کرد. علاوه بر اینها، از سال ۱۳۶۲ تعاونیهای خدمات ماشینی به منظور انجام خدمات پس از فروش و تهیه لوازم یدکی و سوخت در سراسر کشور تأسیس شده‌اند.

هیئت‌های هفت نفره تا قبل از تفکیک وظایف بین وزارتخانه‌های جهاد و کشاورزی در سال ۱۳۶۸ توانستند در زمینه کشاورزی یک میلیون هکتار زمین را بین ۸۴ هزار خانوار تقسیم کنند. از سوی دیگر وزارت تعاون با ایجاد انواع تشکلهای تعاونی در بخش کشاورزی به گسترش انواع مدیریتهای تعاونی پرداخت. نکته شایان توجه اینکه، نظامهایی که از سوی دولت برای نیل به هدفهای خاصی تشکیل شده بودند، اگر چه از لحاظ تعداد افزایش یافته‌اند، اما لزوماً مطابق با اهداف اولیه عمل نکرده‌اند.

از مجموع آنچه گذشت، می‌توان به تنوع بیش

از حد نیاز نظامهای مدیریتی بهره‌برداری، سردرگمی در ساماندهی و نبود مدیریت بهینه در فعالیتهای تولیدی کشاورزی پی برد. به همین دلیل و برای دستیابی به نگرشی تازه در بخش کشاورزی، لزوم انجام پژوهشهای جامع و سراسری برای شناخت مسائل و مشکلات این بخش و همچنین ارائه راه‌حلهای اساسی و کاربردی بیش از پیش احساس می‌شود.

## منابع و ماخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی. "جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران"، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.
- ۲- الوندی و کسایی. "بررسی اشتغال کشاورزی و جامعه روستایی ایران در دهه‌های اخیر"، مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۶۴.
- ۳- خادم‌آدم، ناصر. "سیاست اقتصاد کشاورزی در نظامهای مختلف ایران"، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰.
- ۴- رفیع پور، فرامرز. "جامعه روستایی و نیازهای آن"، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۶۴.
- ۵- زاهدی مازندرانی، محمد جواد. "مسائل نظری و شاخصهای قشربندی اجتماعی"، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول، ۱۳۷۲-۱۳۷۱.
- ۶- سازمان برنامه و بودجه. "سالنامه آماری کشور"، مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵.
- ۷- سازمان برنامه و بودجه. "سالنامه آماری کشور"، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۰.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه. "سالنامه آماری کشور"، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه. "سالنامه آماری کشور"، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۰.
- ۱۰- سازمان برنامه و بودجه. "سالنامه آماری کشور"، مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵.
- ۱۱- طالب، مهدی. "اعتبارات روستایی در ایران"، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۲.
- ۱۲- ظفرنژاد، فاطمه. "نظام بهره‌برداری موجود در ایران و الگوی بهره‌برداری مناسب در طرحهای توسعه کشاورزی"، مقاله ارائه شده به اولین کنگره ملی بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران، ۱۳۶۷.

۱۳- لطیف، بیژن. "نقش و جایگاه سرمایه در توسعه کشاورزی ایران"، مقاله ارائه شده به اولین کنگره ملی بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران، ۱۳۶۷.

۱۴- لهسایی زاده، عبدالعلی. "جامعه‌شناسی کشاورزی"، انتشارات، ۱۳۷۵.

۱۵- لهسایی زاده، عبدالعلی. "تحولات اجتماعی در روستاهای ایران"، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۶۹.

۱۶- وثوقی، منصور. "جامعه‌شناسی روستایی"، انتشارات کیهان، ۱۳۶۸.

۱۷- وزارت جهاد سازندگی. "جهاد سازندگی در آیین آمار"، معاونت طرح و برنامه ریزی، ۱۳۷۵.

۱۸- وزارت جهاد سازندگی. "بررسی کلیاتی درباره مصرف مناطق شهری - روستایی ایران"، معاونت طرح و برنامه، ۱۳۷۱.

۱۹- وزارت جهاد سازندگی. "نگاهی به توسعه اقتصادی مناطق روستایی"، معاونت طرح و برنامه، ۱۳۷۱.

۲۰- وزارت کشاورزی. "کشاورزی ایران در یک نگاه"، معاونت برنامه‌ریزی و پشتیبانی، ۱۳۷۶.

۲۱- نورالهی، طه. "مهاجرت داخلی در ایران طی سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵"، فصلنامه جمعیت، شماره‌های ۲۳ و ۲۴، ۱۳۷۷.

۲۲- نوروزی، غلامرضا. "توسعه پایدار، جامعه روستایی ایران و آبخیزداری"، فصلنامه جنگل و مرتع، شماره ۳۹، ۱۳۷۷.

- 23- Azkia, Mostafa. "The system of land tenure and models of production in contemporary Iran services for agriculture and rural development"
- 24- Hooglund, Erice. "Letter from and Iranian village", Journal of palestine studies, No. . 1997.